

گرانیکاه تمدن سبک زندگی است



به گزارش خبرگزاری مهر، مراسم اختتامیه نخستین هفته تمدن نوین اسلامی (۳۰ آذر - ۷ دی ماه) با حضور آیت الله رشاد رییس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، حجت‌الاسلام و المسلمین رضا غلامی رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدا، دکتر حسین سلیمی رئیس دانشگاه علامه طباطبائی، روسای کمیسیون هفت گانه این هفته علمی و جمعی از اساتید و دانشجویان حوزه و دانشگاه، دوشنبه صبح مورخ ۹۴/۱۰/۷ در دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، مراسم اختتامیه نخستین هفته تمدن نوین اسلامی (۳۰ آذر - ۷ دی ماه) با حضور آیت الله رشاد رییس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، حجت‌الاسلام و المسلمین رضا غلامی رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدا، دکتر حسین سلیمی رئیس دانشگاه علامه طباطبائی، روسای کمیسیون هفت گانه این هفته علمی و جمعی از اساتید و دانشجویان حوزه و دانشگاه، دوشنبه صبح مورخ ۹۴/۱۰/۷ در دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد.

در این مراسم آیت الله رشاد در سخنانی با موضوع «چیستی تمدن، و نسبت آن با فرهنگ» با اشاره به واژه‌های هم‌افق معنایی با تمدن در عربی و فارسی، به تبیین نسبت میان تمدن و فرهنگ پرداخت.

وی با اشاره به اینکه تمدن واژه عربی بر وزن تفعّل است افزود: در وزن تفعّل پذیرش نهفته است؛ مثلاً در تعلّم پذیرندگی علم مراد است. و لذا معنی لغوی تمدن در ادب عربی که از مصدر باب تفعّل (معنای مصدری) است به معنی شهرپذیری و شهرزی شدن (در مقابل بادیه‌نشینی و کوچ‌نشینی، نه در مقابل روستانشینی) می‌باشد.

رییس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در ادامه گفت: برابر نهاد عربی لفظ تمدن، کلمه «الحضاره» است. الحضاره در لغت از حضر بر وزن قعد است و الحضاره در مقابل البادیه اخذ شده است. این نام‌گذاری از آن جهت است که بادیه‌نشینان چادر نشین در یک منطقه حضور یافته و مسکن گزیده‌اند و قرار یافته‌اند. ابن منظور نیز حضر را خلاف بدو دانسته است. الحضرة خلاف البدو، والحاضر خلاف البادي...؛ والحاضر: المقيم في المدن والقرى؛ والبادي: المقيم في البادية... ويقال فلان من أهل الحضرة و فلان من أهل البادية. وفلان حضري، وفلان بدوي، والحضاره: الإقامة في الحضرة.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در ادامه افزود: بکار بردن لغت بداهه برای بادیه‌نشینان شاید به این جهت است که برخلاف شهر که انواع پوشش‌ها نظیر دیوارها و سقف‌ها در محل زندگی اهل شهر وجود دارد و پوشیدگی در شهر زیاد است، در دشت و صحرا این پوشش‌ها نیست و آشکار است؛ یا به این جهت است که بادی‌الرأی هستند و به لحاظ فکری هم ساده هستند و یا اینکه در زندگی و شئون زندگی هم ساده زیست هستند. شاید این اصطلاح حضر و سفر که در فقه ما هم هست از همین‌جا آماده باشد. حضر به استقرار اشاره دارد و سفر یعنی گشوده بودن.

آیت الله رشاد با اشاره به اینکه در لغتنامه‌های فارسی هم تحت تأثیر لغتنامه‌های عربی معانی بیان شده برای تمدن به ترجمه الحضاره در عربی نزدیک است، معانی تمدن در لغتنامه دهخدا و فرهنگ عمید را چنین بیان کرد:

لغتنامه ی دهخدا: تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت.

فرهنگ عمید: شهرنشین شدن، خوی شهری برگزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود.

وی در ادامه به واژگان قرآنی که با تمدن در افق معنایی یکسانی قرار می‌گیرند اشاره کرد و افزود: در قرآن کریم هم واژگان متعددی بکار رفته که اگر نگوییم برابر نهاد الحضاره یا تمدن است، می‌توان گفت نزدیک به آن است. واژه «قرن» که به معنای ملت یا تمدن آمده است و در آیات متعددی بکار رفته، یکی از این واژگان است. قرآن کریم می‌فرماید:

«ألم يروا كم أهلكنا من قبلهم من قرن مكناهم في الأرض ما لم تمكن لكم، وأرسلنا السماء عليهم مدراراً، وجعلنا الأنهار تجري من تحتهم؛ فأهلكناهم بذنوبهم، وأنشأنا من بعدهم قرناً آخرين» (الأنعام/ ۶)

– و كم أهلكنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشاً فننقبوا في البلاد هل من محيٍص (ق/ ۵۰: ۳۶)

– ثم أنشأنا من بعدهم قرناً آخرين ... (المؤمنون/ ۲۳: ۳۱)

کلمه قریه هم به نظر می‌رسد نزدیک بر همین معنا بکار می‌رود. اگر چه واژگان قرآن بسیار دقیق است و کلمات هم معنا در قرآن بکار نرفته است. قریه را نمی‌شود گفت دقیقاً معنای قرن دارد. قطعاً لااقل تفاوت‌های حیثی میان آنها وجود دارد. چنانچه در لغت عرب برای شتر قریب ۲۰۰۰ واژه وجود دارد که از حیث جنس، سن و حیثیات مختلف شتر، میان این واژگان تفاوت معنایی وجود دارد. به هر حال در قرآن واژه قریه نیز هم افق معنایی قرن بکار رفته است. مثلاً در سوره اعراف آمده است: وکم من أهلکناها فجاءها باسنا بیاتاً أو هم قائلون (الأعراف/۷: ۴)

آیت الله رشاد در ادامه گفت: واژه امت را هم که در قرآن ذکر شده می‌توان گفت قریب الافق با همین معانی و واژگان است: ولكل امة اجلٌ فإذا جاء أجلهم لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون (الأعراف/۷: ۳۴)

وی در ادامه افزود: به نظر می‌رسد آنچه در قاموس‌های فارسی و عربی آمده، بیانگر تلقی مفهوم و مصادیق اولیه‌ی تمدن است (تمدن در مقابل بادیه‌نشینی و بربریت و جاهلیت). اما امروزه معنای تمدن وسیع، پیچیده و ذو ابعاد است اما دارای یک گرانیگاه است. گرانیگاه تمدن سبک زندگی است.

آیت الله رشاد تعریف پیشنهادی خود از تمدن را چنین بیان داشت:

« زیست جهان علی‌الاصول راقی متشکل از «فرهنگ»، «علم»، «فتاوری»، «عمران»، «نظامات اجتماعی» (حقوق، سیاست، اقتصاد، اخلاق، و ...)، «هنر»، و ...، که یک سبک زندگی خاصی را بین یک گروه انسانی بزرگ پدید آورده باشد، و غالباً در قلمرو سرزمینی معین، و در بازه‌ی زمانی مشخصی، صورت می‌بندد»

قرابت تعابیر قرآنی با معنی جدید.

وی در ادامه با اشاره به اینکه گفته می‌شود بین فرهنگ و تمدن این رابطه برقرار است که تمدن وجه سخت افزاری فرهنگ و فرهنگ وجه نرم افزاری تمدن است این تعبیر را نادرست و یا ناقص دانست و در ادامه به تبیین نسب اربعه و وجوه خمسه‌ی میان تمدن و فرهنگ پرداخت.

وی افزود: به طور کلی با مطالعه مباحث مطرح شده و تعریف‌های ارائه شده در حوزه‌ی فرهنگ و تمدن ۵ نوع ارتباط را می‌توان میان فرهنگ و تمدن تصور کرد:

دیدگاه اول؛ عموم و خصوص مطلق: در این دیدگاه تمدن عام و فرهنگ خاص است. این دیدگاه معتقد است انسان دو نوع چیز ساخته و می‌اندوزد، معنوی و مادی. بر اساس این دیدگاه تمدن مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه بشری است. طرفداران این دیدگاه، بعد معنوی تمدن را فرهنگ می‌نامند. این دیدگاه را شاید بتوان از تعابیر ویل دورانت اخذ کرد. در این خصوص گفته می‌شود که تمدن جنبه کلی و گاه جهانی دارد و قلمرو جغرافیایی بزرگتری از فرهنگ را در بر می‌گیرد، تمدن می‌تواند شامل چند ملت باشد، مثل تمدن غرب، لکن فرهنگ حوزه محدود تری دارد و چند ملت که دارای تمدن واحدی هستند می‌توانند از فرهنگ‌های مختلف برخوردار باشند.

دیدگاه دوم؛ فرهنگ را عام و تمدن را خاص می‌داند. حسب برخی از تعاریف فرهنگ شامل تکنولوژی، علم، ابزارها و مانند آن هم می‌شود و بنابراین فرهنگ عام است و تمدن خاص. گولد و کولب می‌توانند در ذیل این دیدگاه جای بگیرند.

دیدگاه سوم؛ تباین تمدن و فرهنگ: در این دیدگاه میان فرهنگ و تمدن، تباین است. بدین معنا که فرهنگ حامل مفهومی متمایز با تمدن است و این دو واژه، حامل دو پیام متفاوتند. این تمایز به گونه‌های مختلف قرائت شده است. در یکی از قرائت‌ها، فرهنگ در جهت پیشرفت معنوی و تمدن در جهت پیشرفت مادی است. فرهنگ همچون روح معنوی تاریخ یک ملت و بشر است و تمدن مانند پیکر تاریخ ملت‌ها و بشر است. مطابق این قرائت هر آنچه اصالت دارد و به غنای فکری و معنوی می‌انجامد، تجسم فرهنگ است و هر آنچه ظاهری است از آسان‌خواهی بر می‌آید و لطافت سطحی دارد و به تمدن وابسته است.

دیدگاه چهارم؛ تساوی تمدن و فرهنگ: میان فرهنگ و تمدن، همسانی است ولی این همسانی را می‌توان در قرائت‌های مختلف یافت. بر این اساس تمدن و فرهنگ را تماماً می‌توان به جای هم به کار برد. بیشتر در متون تاریخی این همسانی به چشم می‌خورد.

دیدگاه پنجم: نسبت عام و خاص من وجه بین تمدن و فرهنگ: برحسب تعاریف خاص راجع به هر یک از دو مقوله.

در ادامه، آیت الله رشاد به نقد این نسبت سنجی ها پرداخت و گفت: دو نکته در نقد این نسبت سنجی ها قابل ذکر است. اول آنکه گاه خلط مفهوم و مصداق در دو مقوله، منتهی به مغالطه و نزاعهای لفظی فروناکاستنی می شود. نکته دیگر این است که «اشتراک لفظ دائم رهن است». بدون تعیین نسبت کدام تعریف از تعاریف هر کدام از دو مقوله، یا کدام مصداق با کدام مصداق از این دو مقوله مقایسه شده، نسبت سنجی عمل ناصوابی است؛ و این دو مغالطه در این نسبت سنجی ها رخ داده است!

باید دید کدام معنای فرهنگ با کدام معنای تمدن را نسبت سنجی می کنیم. وقتی فردی می گوید فرهنگ روح است و تا فرهنگ نباشد تمدن نخواهیم داشت، به یک فرهنگ ما قبل تمدنی اشاره می کند؛ مانند فرهنگ اسلامی که پیامبر(ص) آوردند و تمدن اسلامی بر مبنای آن ساخته شد. ولی اگر یک تمدن را با تمدن دیگر مقایسه کنیم مسئله ممکن است متفاوت شود. مثلاً وقتی عوامل انحطاط یک تمدن بررسی می شود، احیاناً ممکن است ملاحظه شود که یکی از عوامل فرهنگ است. فرهنگ اول تمدن ساز است و فرهنگ دوم نابود کننده تمدن است. بادیه نشینان سخت کوش تمدنی را بوجود می آورند و بعد راحت طلب می شوند و فرهنگ جدیدی حاصل می شود. بنابراین، اینکه کدام فرهنگ و کدام تمدن را لحاظ کنیم، نسبت آنها متفاوت می شود. کدام فرهنگ محقق در خارج با کدام تمدن محقق مد نظر است تا نسبت آنها را بتوانیم مشخص کنیم.

بنابراین نظریات مختلف به خاطر مغالطات و خلط مصداق و مفهوم بوجود آمده و بیشتر به مناظرات لفظی شبیه است و تا سؤال دقیق نشود، پاسخ دقیق نخواهد شد.